

اصول و مبانی فقهی حاکم بر مدیریت جامعه و فضای شهری و میزان انطباق آن‌ها بر شهر مشهد

محسن ولایتی (استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران)

m.velayati52@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۹

صص ۹۸-۸۱

چکیده

زندگی در جامعه شهری اسلامی مستلزم اجرای اصول شریعت از سوی مدیران آن جامعه است. این پژوهش به منظور آشنایی مدیران جامعه شهری با موازین فقهی ارائه شده از سوی صاحب شریعت انجام شده است. اصول بررسی شده شامل چهار اصل رعایت حریم خصوصی در ساخت و ساز و بلند مرتبه سازی، عدالت در توزیع امکانات شهری، اشاعه فرهنگ اسلامی و اصل ولایت حاکم در تخلفات ساختمانی است. از آن جا که تبلور شهر اسلامی و مبتنی بر اصول فقهی بارز در ایران، مشهد است به انطباق ضوابط شهری و آمار میزان رعایت این اصول در این شهر پرداخته شده است. روش تحقیق به کاررفته در بخش اصول فقهی؛ توصیفی-تبیینی و در بخش انطباق این اصول بر شهر مشهد تطبیقی و میدانی است. آن-چه از این پژوهش منتج می شود این است که این اصول منطبق بر مبانی فقهی است و شهر مشهد نیز براساس ضوابط و آمارهای اخیر، در بیشتر موارد با این اصول انطباق دارد؛ اما بعضی از این اصول در بدنه شهری مشهد رعایت نشده و مدیران اجرایی نیاز به ژرف اندیشی بیشتری در رعایت این اصول در فضای شهری دارند.

کلیدواژه‌ها: اشاعه فرهنگ اسلامی، مدیریت شهری، حریم خصوصی، عدالت، فضای شهری

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

در دهه‌های اخیر مشکلات خاصی در زندگی شهری روزمره انسان به وجود آمده است که اغلب به علت استفاده بیش از اندازه از فناوری مدرن است. در نتیجه، روابط اجتماعی و سلامت روانی ساکنان شهرها که در قرن‌های گذشته جزئی از زندگی شهری بوده است، تحت تأثیر سبک زندگی جدید قرار گرفت. تعامل انسان‌ها با یکدیگر کمتر و روابط و تعامل آن‌ها به حداقل ممکن رسید.

با توجه به این معضلات، در سال‌های اخیر جنبش نو-شهرسازی^۱ در منشور نوشهرگرایی^۲ به عنوان یکی از مطرح‌ترین دیدگاه‌های شهرسازی انسان‌گرا در سطح جهان مطرح شده است. شکل‌گیری اولیه این جنبش به زمان بازسازی جنگ جهانی دوم برمی‌گردد «که در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل نهایی به خود گرفت و ابتدای دهه ۱۹۸۰ در آمریکا شاهد اولین نمونه‌های اجرای این نوع شهرسازی هستیم و طی دهه ۱۹۹۰ رشد سریع و چشمگیری گرفت» (ابراهیم پور و پرتوی، ۱۳۸۵، صص. ۷۰-۸۰)؛ استیوت ویل، ۲۰۰۴). این جنبش به دنبال زنده‌کردن هنجارهای شهرسازی قدیم آمریکای شمالی بوده است.

در حالت کلی نوشهرسازی دیدگاه شهرسازانه است که بر ایجاد بافت شهری با مشخصه اساسی قابلیت راهپیمایی ساکنان و تأمین مایحتاج و انجام کارهای روزانه زندگی از طریق پیمودن راه به صورت

پیاده و دارابودن مقیاس انسانی تأکید دارد و امروز نوشهرسازی با نام‌هایی مثل طراحی صنعتی جدید توسط وسایل نقلیه عمومی و توسعه بافت سستی شناخته می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد در جمهوری اسلامی در مقام تئوری و عمل گام‌های کم‌تأثیری در راستای ضوابط ساخت‌وساز شهری برداشته شده است و حتی در بعضی موارد از طرح‌های شهری نوشهرسازی غرب‌گرای برداری شده و تغییر چندانی در رعایت مبانی فقهی اسلامی ایجاد نشده است.

حال آیا فقه شیعه به‌منظور جلوگیری از مشکلات ناشی از مدرنیسم در زمینه فضا و جامعه شهری راه‌حلی ارائه داده است؟

لزوماً از آن‌جا که اسلام دین کامل است، فقه شیعه نیز به‌علت پویایی خود اصولی را در این زمینه ارائه داده است که عبارت‌اند از اصل رعایت حریم خصوصی در ساخت‌وساز و بلند مرتبه‌سازی، اصل ولایت حاکم در تخلفات ساختمانی، اصل عدالت در توزیع امکانات شهری و اصل اشاعه فرهنگ اسلامی. بدیهی است استنباط نظام جامع مدیریت شهری از منابع فقهی با رعایت اصول و مبانی جغرافیایی به‌منظور ساخت‌وساز الگوی شهری منطبق بر فقه توسط متخصصان، عامل تزریق بیشتر آرامش و آسایش واقعی در زندگی افراد جامعه از دو بعد جسمی و روحی - روانی است.

این پژوهش به‌منظور آشنایی مدیران جامعه شهری با موازین فقهی ارائه‌شده از سوی صاحب شریعت انجام شده است. به این منظور فضایی حوزه

1. new urbanism

2. CnU

علمیه قم درس خارج فقه معماری و شهرسازی را به‌عنوان یکی از دروس جدید تدریس می‌کنند.

۲.۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

پیشینه این پژوهش به دروه پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام برمی‌گردد که تبلور آن در کتب حدیث شیعه؛ مانند *وسایل‌الشیعه* و کتب حدیث اهل سنت مانند *سنن بیهقی* هست و در کتب فقهی مانند شرح *لمعه* مطالبی به‌طور پراکنده آمده است. بنابراین، مبانی نظری این موضوع، قرآن، احادیث و سیره معصومین علیهم‌السلام است.

پژوهش‌های به‌عمل‌آمده در جوانب این پژوهش یا به بررسی بخش خاصی از اصول فقهی پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «اندازه مطلوب شهر و حومه از منظر فقه شیعی» (منان رئیس، ۱۳۹۵، ص. ۱۰) که نویسنده در این مقاله فقط شهر ایده‌آل از نظر فقه شیعی را شهری به قطر یک فرسخ (حدود ۵/۵ کیلومتر) و حداکثر قطر چهار فرسخ (حدود ۲۲ کیلومتر) معرفی می‌کند؛ به‌علاوه اندازه حومه شهر را حداکثر تا چهار فرسخ می‌داند که فقط به فاصله طولی و قطری شهر پرداخته و زوایای فقهی دیگر را لحاظ نکرده است.

مقاله دیگری که در اصول فقهی به رشته تحریر درآمده، مقاله «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن» است (بمانیان و ارجمندی و فرزانه، ۱۳۹۲، ص. ۹۵) که نویسندگان فقط به بررسی سه مورد از خانه‌های سنتی به روش نمونه‌گیری هدفمند پرداخته‌اند که نتایج حاصل بیان‌کننده این موضوع است که این اصل به‌عنوان مهم‌ترین اصل مرتبط با حقوق شهروندی، در تمام ابعاد معماری خانه‌های ایرانی - اسلامی تأثیر

گذاشته که این تأثیر برگرفته از مفهوم عدل است که شامل تعادل و توازن در پلان و نما، هماهنگی واحدهای مسکونی با دیگر واحدها، حریمیت در معماری بناها است که از اصول دیگری مانند فاصله خانه‌های مسکونی و مرتفع‌سازی بهره‌نگرفته است.

مقاله دیگر با موضوع «شهرسازی اسلامی در فقه اسلامی» است (دهقانیان و عبدیان، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۹) که در دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی ارائه شده است و نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر اصول شهرسازی را می‌توان از مبانی فقهی استخراج کرد که البته فقط در مفاهیم فقهی به الزامات حقوق همسایه و یا خرید و فروش و عدم ایجاد مزاحمت در مسیر افراد و رعایت همسایه و هم‌زیستی قوانین فقهی در المان‌های شهرسازی پرداخته است و از اصول مهم دیگر غافل مانده است. بدیهی است اصول فقهی فوق به‌طور کامل مطرح و پردازش نشده و جامع نیست و هر کدام بخشی را مطرح کرده است. همچنین، این‌که هیچ‌کدام به‌طور تطبیقی درباره کلان‌شهر مذهبی مثل مشهد پژوهش به عمل نیاورده‌اند؛ اما پژوهش حاضر کاستی پژوهش‌های فوق را جبران کرده است. نخست، به پنج اصل مهم فقهی خصوصی‌سازی، مرتفع‌سازی، ولایت حاکم در تخریب ساختمان‌ها، عدالت در توزیع امکانات شهری، حقوق شهروندی، اشاعه فرهنگ اسلامی پرداخته است؛ علاوه‌بر آن میزان انطباق این اصول در کلان‌شهر مذهبی مشهد بررسی شده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش دو گونه است. روش اول مباحث نظری است که روش آن توصیفی-تبیینی و با استفاده از کتب حدیثی و فقهی است. روش دوم در بخش تطبیقی اصول پژوهش در شهر مقدس مشهد است که پژوهش میدانی است.

۲.۲. جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری عملکرد و فعالیت شهرداری در عرصه‌های عمرانی، فنی، فرهنگی، فضای سبز و ساختمانی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ است و نیز ابزار گردآوری و داده‌ها، نتایج فعالیت‌های شهرداری در مناطق مختلف در بازه زمانی فوق است که توسط مدیریت آمار و دیگر ارگان‌های ذیربط در اختیار پژوهش‌گر قرار گرفت و قلمرو جغرافیایی پژوهش مناطق سیزده‌گانه شهر مشهد است.

۲.۳. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

عمرانی و فنی، متغیرها (آسفالت، پدافند غیر عامل در نظام شهری).
ساخت‌وسازها، متغیرها (فواصل ساختمان‌ها-مرتفع‌سازی).

فرهنگی، متغیرها (نماز جماعت در پارک‌ها، المان‌های شهری، مراسم مذهبی و تبلیغات، فرهنگ سازی، نمازخانه و مسجد در مناطق مختلف).

۳. یافته‌های پژوهش

اصل رعایت حریم خصوصی در ساخت‌وسازها یکی از مباحث شهری رعایت حریم در فقه اسلامی است؛ حریم مساجد، حریم ابنیه، مساکن و

راه‌ها. از روایات استفاده می‌شود که در هر ساخت و سازی حریم رعایت شود.

۳.۱. ساخت مسجد

ساختمان یک مسجد در این عصر و دوره دستاورد بزرگی برای جامعه مسلمانان است، به‌خصوص اگر این جامعه در یک کشور غیرمسلمان زندگی کنند. تکنولوژی محرکی برای بهبود روش ساخت‌وساز مساجد اولیه جامعه مسلمانان بوده که ارزش‌ها و ادراک را نسبت به اسلام در کل جهان تا به امروز تحت تأثیر قرار داده است (ظفرالله، ۲۰۱۲، ص. ۳).

در جامعه شهری مسلمانان یکی از ضروریات مسلمانی ساخت مسجد در شهر و محله‌های مختلف آن است و شاخصه بارز مسلمانی نماز و به تبع آن مصلی (مسجد) است. در فقه شیعه برای مساجد نیز حریم خاص در نظر گرفته شده است.

از امام صادق (ع) از قول امیرالمومنین علی (ع) روایت شده است که: «حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربعه جوانب» (حریم مسجد چهل ذراع و همسایه مسجد از هر چهار طرف چهل خانه است) (صدوق، ۱۳۶۲، ج. ۲، ص. ۵۶۴).

در شهرهای اسلامی برای نماز جمعه و جماعت باید مسجد ساخته شود. محل اقامه نماز جمعه مسجد جامع و مرکزی است و این مسجد باید در مرکز شهر قرار بگیرد که از هر سمت تا چهل خانه همسایه مسجد است. از چهل خانه که عبور کنیم باز هم چهل خانه دیگر و یک مسجد دیگر در محله دیگری تنظیم می‌شود.

در کلان‌شهر مذهبی مشهد آمار تفصیلی تعداد مساجد در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. مساجد

عنوان	فعال	غیرفعال	در حال ساخت	تازه تاسیس	در حال تخریب	زمین خالی	جمع کل
تعداد	۹۹۰	۱۰	۷۶	۳	۱۹	۲۷	۱۱۲۵

مأخذ: مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۴

مسجد در نقاط مختلف شهر آغاز شده است. شهرداری مشهد نیز برای هر مسجد ۳۰۰ میلیون تومان کمک مالی و ارائه پروانه رایگان در نظر گرفته است که این مثال بارزی از فعالیت فرهنگی در مدیریت شهر مشهد است. آمار اجرای طرح ۱۱۰ مسجد شهرداری در سال ۱۳۹۴ در جدول (۲) ارائه شده است.

طبق برآوردهای انجام شده برای رسیدن به نقطه مطلوب ۲۴۲ مسجد دیگر باید در شهر مشهد احداث شود. طبق سرانه تعریف شده، باید به ازای هر ۳۰۰ نفر جمعیت، یک مسجد وجود داشته باشد. البته براساس مساحت مناطق شهری نیز فاصله مساجد از یکدیگر باید حداقل حدود ۳۰۰ متر باشد. شورای شهر مشهد ساخت ۱۱۰ مسجد را در مناطق کم‌برخوردار تصویب کرده است و در حال حاضر، ساخت ۸۴

جدول ۲. وضعیت ساخت مساجد طرح ۱۱۰ مسجد در سال ۱۳۹۴

عنوان	تعداد	مساحت زمین (متر مربع)
جمع کل	۴۱	۳۳,۳۹۵
در حال اجرا	جمع	۲۰,۲۷۹
	جدیدالاحداث	۱۸,۰۲۹
	توسعه و تکمیل	۱۸۵۰
	تجدید بنا	۴۰۰
در حال پیگیری	جمع	۱۳,۱۶
	زمین متعلق به شهرداری	۸۷۵۴
	زمین متعلق به آستان قدس	۴۳۶۲

مأخذ: مدیریت اجرایی طرح ساخت و ساز مساجد، ۱۳۹۴

کلی در حریم خانه‌ها این است که اگر خانه‌ها کنار هم باشند و در هم‌دیگر فرو روند، مطلوب شرع نیست.

عن ابی عبدالله: «شکی رجل من الانصار إلی رسول الله ان الدور قد اکتنفه فقال النبی (ص) ارفع

۳. ۲. حریم ساخت خانه

۳. ۲. ۱. حریم در روایات

با توجه به ضرورت حفظ آرامش و سکوت و

عدم مزاحمت بین خانه‌ها، در فقه اسلامی حریم خاصی برای ساختن خانه‌ها باید رعایت شود. معیار

صوتک ما استطعت و سل الله ان یوسع علیک» در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «شخصی به رسول خدا (ص) شکایت کرد که خانه‌ها اطراف او را گرفته‌اند (آن حضرت شکایت او را رد نفرمود) و فرمود با صدای بلند از خدا بخواه؛ بلکه خداوند گشایشی کند» (حرعاملی، ۱۴۰۵، ج. ۱۸، ص. ۴۵۵). حال اگر بخواهیم از روایات برای حریم حداقل مشخص کنیم که چه اندازه باشد با دو روایت مواجه می‌شویم.

روایت اول از امام صادق (ع): «الطریق تشاح علیه اهله وحده سبع اذرع» (حرعاملی، ۱۴۰۵، ه. ق. ج. ۱۸، ص. ۴۵۵).

روایت دوم: «عن ابی العباس البقیاق عن ابی عبدالله (ع) قال تشاح قوم فی طریق فقال بعضهم سبع اذرع و قال بعضهم اربع اذرع فقال ابو عبدالله (ع)، لابل خمس اذرع» (حرعاملی، ۱۴۰۵، ه. ق. ج. ۱۸، ص. ۴۵۵). «حد الطريق المتخذ فی الارض المباحه اذ تشاح اهله فی وضعه وسعته سبع اذرع، لان ذلك قدر ماتدعوا الحاجه الیه» (حلی، ۱۴۱۴، ه. ق. ج. ۱۶، ص. ۴۷).

مشاحه بر طریق در دو روایت فوق، قرینه است بر این که روایت اختصاصی به طریق و حریم بین خانه است و دو ملک شخصی مورد بحث است نه طریق و راه عمومی. اگر مستشکلی اشکال کند که این دو روایت دو حد را مشخص می‌کنند که متعارضند یکی هفت و دیگری پنج ذراع، در جواب گفته می‌شود: روایت اول در فرض قاعده اولیه طریق بین دو خانه است؛ یعنی بر فرض عدم اختلاف، هفت ذراع برای فاصله تعیین می‌شود، حال اگر یکی

از طرفین راضی نشد و اصرار بر حد کمتر داشت، روایت دوم، حد را تعیین می‌کند. ظاهر این است؛ یعنی روایت دوم با فرض عدم رضایت یکی از طرفین به عقب‌نشینی به مقدار هفت ذراع است و با چنین فرضی مقدار فاصله را پنج ذراع مقرر می‌کند. اگر این وجه جمع را نپذیریم، چون تعارض در مقدار مازاد بر پنج ذراع است، نتیجه جمع و حل تعارض همان پنج ذراع است (اراکي، ۱۳۹۴).

۳.۲.۲. رجوع به قاعده کلی

اگر از ادله نتوانیم برای تعیین حد حریم معینی برای خانه‌ها استفاده کنیم، به قاعده کلی «لاضرر» که نفی حکم ضرری می‌کند مراجعه می‌کنیم؛ یعنی اندازه حریم عدم اضرار متعارف به خانه‌های مجاور است که البته نسبت به نوع خانه، منطبقه مسکونی خاص، جمعیت خانه‌ها توسط کارشناسان تعیین می‌شود.

در ضوابط شهرسازی شهر مشهد که نورم جهانی دارد، برای فاصله جانبی از ساختمان‌ها قاعده‌ای تعریف نشده؛ جز فاصله اندکی به عنوان «درز انقطاع» که برای ساختمان‌های چندطبقه به اندازه $\frac{1}{100}$ ارتفاع ساختمان لحاظ می‌شود تا در زمان زلزله به واسطه تنه‌زدن ساختمان‌های مجاور (لیب‌زاده، ۲۰۰۹)، اثرپذیری ساختمان‌ها از هم کاهش پیدا کند که این مقدار خیلی ناچیز است؛ مثلاً برای یک ساختمان ۱۰۰ متر ارتفاع ۱ متر می‌شود که این مقدار به علت ناچیز بودن حریم تلقی نمی‌شود. این ضایعه مبتنی بر اصول فنی بوده و هیچ‌گونه سازگاری با اصول فقهی ندارد.

ضابطه مناسب که کنترل‌کننده سایه‌انداختن به زمین همسایه است، این است که طول پیش‌روی‌ها از

۴۵ درصد تا ۶۰ درصد محدودیت داشته و در یک بلوک باید همه رعایت کنند که این هم حریم محسوب نمی‌شود. بنابراین، این اصل فقهی در ضوابط شهر مشهد باید رعایت شود.

۳.۳. بلند مرتبه‌سازی (ساختمان‌های مرتفع)

امروزه بلندمرتبه‌سازی یکی از معضلات جوامع شهری محسوب می‌شود که مبتنی بر اصول حقوقی در جامعه مطرح شده است که اثرات اجتماعی منفی آن برعهده متولیان این امر؛ یعنی جامعه‌شناسان است. در فرهنگ لغت آکسفورد ساختمان بلند را ساختمانی که طبقات بسیار داشته باشد، معنا کرده‌اند (جان سیمپون و آدموند واینر^۱، ۱۹۸۹). تعریف فنی ساختمان‌های بلند این است که فاصله قائم بین طراز کف تا بالاترین طبقه تصرفش از ۲۳ متر بیشتر باشد (قوانین عمومی ماساچوست؛ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷). در عرف شهرداری‌ها معمولاً بالاتر از شش یا هفت طبقه را ساختمان بلند می‌دانند که این تعریف فنی نیست. ساختمان بلند یا سازه بشری بلند مترادف نیست، سازه بشری بلند؛ یعنی اگر دکلی برای آنتن‌های مخابراتی ساخته شود یک سازه است؛ ولی نام آن ساختمان بلند نیست؛ بلکه مراد از ساختمان آن چیزی است که هویت مسکونی و کاربری انسانی دارد.

برای بررسی بلندمرتبه‌سازی باید براساس دو گفتمان شهر شرعی موجود در یک شهر عرفی و شهر شرعی بر مبنای قدرت مرکزی اسلامی نگرش فقهی آن را تجزیه و تحلیل کرد؛ اما براساس دو گفتمان

پنج ضابطه فقهی کلی برای آن وجود دارد. لزوم کاربری انسانی، تناسب ارتفاع ساختمان، عدم گم‌شدگی هویت دینی در شهر، تأکید بر طراحی نمادهای برخاسته از هویت دینی و رعایت کامل عدالت اجتماعی (الهی خراسانی، ۱۳۹۴).

۳.۳.۱. ممنوعیت بلندمرتبه‌سازی

علاوه بر اثرات منفی بلندمرتبه‌سازی؛ مانند ارتباطات اجتماعی ضعیف‌تر، مشکلات رشدی و رفتاری کودکان، میزان جرایم و نرخ خودکشی بیشتر نسبت به ساختمان‌های کوتاه (گیفورد، ۲۰۰۷). روایاتی که از کتب حدیث شیعیه و سنی ظاهر می‌شود، ممنوعیت بلندمرتبه‌سازی را مطرح می‌کند (برقی، ۱۳۷۱، ج. ۲۰، ص. ۲۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۶، ص. ۵۵۸).

در وسائل‌الشیعه روایاتی از امام صادق (ع) آمده است: «هر خانه‌ای که سقف آن بالاتر از نه ذراع باشد، مسکن شیاطین خواهد شد یا هر مقدار از خانه که سقفش بالاتر از نه ذراع باشد، مسکن شیاطین است (حرعاملی، ۱۴۰۵، ۲۵، ص. ۱۰).

همچنین، در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر کسی خانه‌اش را بیشتر از ۸ ذراع بسازد، به او ندا می‌شود که ای فسق فاسقین چه می‌کنی؟». در روایات دیگر نیز بیان شده: «اگر خانه‌ای مافوق ۸ ذراع باشد، محضر است»، شیاطین ساکن این فضای مافوق ۷ یا ۸ ذراع خواهند شد»، یا این‌که: «اجنه وارد فضای مافوق ۸ ذراع می‌شوند».

روایات فوق حدائق ظهور در مکروهیت بلندمرتبه‌سازی دارند. اراکی از اساتید خارج فقه حوزه قم در این زمینه می‌گوید: «از مجموع روایات و

۳.۳.۲. جواز و رحجان بلندمرتبه‌سازی

با توجه به اطلاق «قاعده عماره ارض» که از قرآن استخراج شده است، می‌توان استنباط کرد که بلندمرتبه‌سازی عمومیت داشته و دارای هر سه شمولیت مکانی (گسترده‌گی آبادانی تمام سطوح زمین)، مراتبی (آبادانی همه مراتب و سطوح زمین) و شمولیت زمانی (تمامی زمان‌ها و نسل‌ها) می‌شود.

از این که در سوره هود آیه ۶۱ می‌فرماید: «... هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» از مردم خواسته است در زمین آبادانی کنند. با این شمولیت اصل آبادانی زمین، می‌توان اصل مشروعیت و جواز بلندمرتبه‌سازی را اثبات کرد.

البته اشکالی که بر استدلال به آیه بر جواز بلندمرتبه‌سازی می‌شود، این است که اولاً آیا بلندمرتبه‌سازی اصلاً عمران هست یا خیر؟ اگر کسی خانه‌ای بسیار زیبا و شیک ساخت؛ ولی در راه بد به کار برد یا مرکز تجاری روی ایجاد کرد آیا عمران شهر کرده است و ثانیاً این روایات از حیث بلندمرتبه‌سازی اصلاً در مقام بیان نبوده‌اند؛ چون این موضوع کلاً جدید است. بنابراین، نمی‌توان از اطلاق آن‌ها استفاده کرد (اسکندری، ۱۳۹۴).

اگر کسی بخواهد با توجه به رویکرد فقهی حکم را دریابد، بهترین دلیل جواز، روایتی است که بیان می‌کند بر روی سقف خانه امام صادق (ع)، آیه‌الکرسی نوشته شده بود؛ زیرا مشخص می‌شود که خانه امام سقف بلند داشته و به همین دلیل امام می‌فرماید که اگر آیه‌الکرسی بنویسید اشکالی ندارد (اسکندری، ۱۳۹۴).

منابع اسلامی استفاده می‌شود که در نظام اسلامی ساختمان‌های شهری به گونه‌ای ساخته می‌شوند که در جهت افقی است نه عمودی؛ بدین معنا که ساختمان‌های شهری به گونه‌ای ساخته می‌شوند که افق آسمان از دید ساکنان شهر پوشیده نگردد و ارتباط ساکنان شهر با آیات الهی قطع نگردد» (اراکی، ۱۳۹۴).

بررسی روایی و دلالتی: بررسی روایی این احادیث نشان می‌دهد بعضی از این احادیث معتبر و برخی ضعیف هستند، اکثر احادیث مرسل و ضعیف‌السند هستند (الهی خراسانی، ۱۳۹۴). به لحاظ دلالتی این روایات ارتباطی به موضوع ما ندارد. ادله ارتفاع هر طبقه را ذکر می‌کند و این ادله ارتباطی به ارتفاع کل طبقات ندارد؛ چه طور «تعدد طبقاتی» که فرض ساختمان‌های بلند است از ادله‌ای استخراج می‌شود که درباره یک طبقه بحث کرده‌اند؟ مگر همه ارتفاع ساختمان‌ها که ۲۳ متر است مربوط به یک خانه است؟ از این روایات حداکثر می‌توان برای ادله ارتفاع سقف استفاده کرد.

باید به زمان صدور روایات توجه داشت؛ روایات مرتبط با این موضوع بعد از امام رضا (ع) و امام هادی (ع) است که این ائمه در شهر بغداد ساکن بوده و ساختمان‌ها دو طبقه بوده‌اند. روایات ناهی، غالباً مربوط به دورانی است که ائمه در مکه، مدینه و کوفه بوده‌اند و گزارش‌های تاریخی می‌گوید ساختمان‌ها، همه تک‌طبقه بوده‌اند. بنابراین، از محل بحث خارج است.

البته اگر اصول و ضوابط فقهی رعایت شود و مردم در رفاه و آسایش بیشتر باشند، حکم به رجحان بلندمرتبه‌سازی می‌شود.

۳.۳.۳. وضعیت اضطراری و ضرورت

بی‌شک در حالت اضطرار و ضرورت براساس حدیث شریف رفع که پیامبر (ص) حرمت موارد اضطراری را برداشته مرتفع‌سازی اشکالی ندارد. البته اگر این اضطرار برگردد، حکم به حالت اولیه خود برمی‌گردد.

در مرتفع‌سازی براساس ضوابط شهری و طرح تفصیلی شهر مشهد طبقات در چهار دسته تعریف می‌شود:

تراکم کم، متوسط، زیاد و مرتفع‌سازی. در تراکم کم، تعداد طبقات ۳، متوسط ۴ تا و زیاد ۵ طبقه است و مرتفع‌سازی هم با توجه به معابر و میزان عرصه به‌صورت برج ارتفاع بالای ۷ طبقه تعریف می‌شود و این قضیه از هیچ ضابطه دیگری تبعیت نمی‌کند (مثلاً مشرف‌بودن به ساختمان‌های مجاور، سایه‌انداختن به حیاط‌های مجاور و غیره).

در مرتفع‌سازی پنجره‌های مشرف به حیاط همسایه باید در ارتفاع ۱/۷۰ متر نصب شود که این هم در بعضی موارد رعایت و در بعضی موارد رعایت نمی‌شود که این کار هم کارساز نیست. بنابراین، طبق دیدگاه ممنوعیت مرتفع‌سازی شهر مشهد از اصول اسلامی تبعیت نکرده است و نیاز به تجدید نظر دارد.

البته ارتفاع یک طبقه که براساس اصول فنی ۲۸۰ سانتیمتر تا ۳ متر است، براساس دیدگاه مشهور که نه ذراع است تا حدی منطبق بر فقه است، منتهی طبقات بیشتر از یک طبقه منطبق با فقه نیست.

جای پرسش هنوز باقی است که آیا با توجه به روایات فوق در دو زمینه رعایت حریم خصوصی و مرتفع‌سازی جای بازنگری در نورم معماری و فضای جامعه شهری در این دو راستا و تجدید نظر در آیین‌نامه و مقررات نیست؟ مدیریت شهری مشهد چه گام‌هایی باید بردارد؟

۳.۴. اصل ولایت حاکم در تخلفات ساختمانی

گاهی شرایط و مصالح جامعه اقتضا می‌کند که حاکم اسلامی احکامی را وضع و به اجرا در آورد به این احکام، حکم حکومتی گفته می‌شود (ولایتی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹).

از آن‌جا که مصالح جامعه دائماً در حال تغییر است و در هر شرایط زمانی و مکانی به نوع خاصی جلوه می‌کند، حکم حکومتی نیز در معرض زوال و تغییر بوده و در هر موقع شکل جدیدی به خود خواهد گرفت. همین مبنا و حفظ مصلحت اجتماع است که باعث می‌شود در مقام تراحم بین حکم حکومتی و حکم فردی، حکم حکومتی مقدم شود. حکم حکومتی به حاکم اسلامی این توانایی را می‌دهد که در پرتو قوانین و ملاک‌های معین شرعی و رعایت مصالح امت اسلامی حکم را تغییر دهد.

حکم حکومتی در نظام و جامعه شهری نیز جریان دارد. مثلاً حاکم اسلامی می‌تواند ساختمانی که جایگاه مناسبی ندارد و یا مجاری فاضلاب را ببندد. مستند و مبنای این احکام در ساخت‌وساز و تخریب‌ها موارد ذیل است:

۳. ۴. ۱. دستور به تخریب ساختمان‌های

غیرمجاز

اصبغ بن نباته از امیرمؤمنان (ع) نقل کرده است: علی (ع) با مشاهده خانه‌های بنی البکاء فرمود: «این جا جزء بازار است، سپس دستور تخلیه و تخریب آن‌ها را صادر کرد» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج. ۶، ص. ۱۵۱). از این روایت و روایت دیگر استفاده می‌شود که نقشه شهر و بازار در اختیار حاکم است و چنانچه مقررات رعایت نشود، جهت رعایت مصالح مسلمانان این قبیل ساختمان‌ها خراب می‌شود.

۳. ۴. ۲. بستن مجاری فاضلاب

در روایتی وارد شده که حضرت علی (ع) مجاری فاضلاب را سد می‌کرد، از جمله در معالم‌التقریه آمده است: «علی (ع) امر کرد به بستن مجازی فاضلاب و چاه‌های مستراح که در مسیر مسلمان‌ها بود» (ابن اخوه، ۱۳۶۸ ه. ق. ص. ۵۱). ولایت حاکم در تخلفات ساختمانی در قوانین شهرداری از طریق دو سیستم و در دو جهت تخریب و جریمه اعمال می‌شود:

۱- ماده ۹۹ (تبصره ۱۲ از بند ۳): به منظور جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز در خارج از حریم مصوب شهرها و نحوه رسیدگی به موارد تخلف کمیسیونی در استانداری تشکیل می‌شود که یکی از اعضای آن نماینده قوه قضائیه است که با اختیاراتی که رئیس قوه قضائیه از رهبری (حاکم اسلامی) اخذ کرده، این ولایت را اعمال می‌کند که در این زمینه آمار ارائه شده از سوی شهرداری مشهد مسکوت است.

۲- کمیسیون ماده ۱۰۰ نیز به منظور جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حریم شهرها تشکیل شده که یک عضو آن یکی از قضات دادگستری است که وزیر دادگستری او را انتخاب می‌کند؛ زیرا اعمال حکومت از سوی حاکم اسلامی با واسطه وزیر دادگستری اعمال می‌شود. در شهر مشهد براساس جدول (۳) میزان تخلفات ۳۱٪ و مساحت تخلف ۳۰٪ در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۹۳ کاهش یافته است؛ ولی میزان کاهش جرایم نسبت به تخلفات کمتر است.

جدول ۳. تخلفات کمیسیون ماده صد

عنوان	واحد	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۴
تعداد تخلف	عدد	۳۴,۰۷۸	۲۳,۵۸۳
مساحت تخلف	مترمربع	۱,۵۴۸,۶۳۶	۱,۰۸۱,۹۷۸
مبلغ جریمه	میلیون ریال	۲,۰۲۰,۴۶۷	۱,۷۹۴,۸۸۹

مأخذ: سیستم یکپارچه شهرسازی، ۱۳۹۴

۳. ۵. اصل عدالت در توزیع امکانات شهری

اساسی‌ترین اصل که رعایت آن در مدیریت شهری الزامی است، اصل عدالت است این اصل از اصول عامه و فراگیر در فقه اسلامی محسوب می‌شود

و وجه ضرورت آن در مدیریت شهری مبتنی بر اصولی است. در مدیریت شهری که نوعی مدیریت سازمانی است فرآیند عدالت سازمانی نقش مهمی را در سازمان ایفا می‌کند و چگونگی برخورد با افراد در

سازمان‌ها ممکن است باورها، احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای کارکنان (و بالتبع) مردم را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به تعهد بالاتر نسبت به سازمان و رفتار شهروندی شود. بنابراین، عدالت ضروری است (بوس^۱، ۲۰۰۱)

بر اساس مبانی فقهی اگر مدیریت بخواهد پایدار باقی بماند و تداوم پیدا کند، رعایت اصل عدالت از اصول اساسی است؛ به طوری که در لسان روایات از ائمه معصومین علیه السلام رسیده است «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» (پادشاهی با کفر باقی می ماند ولی با ظلم باقی نمی ماند). عدالت توزیعی یکی از انواع سه گانه عدالت از نظر مورن^۲ در کنار عدالت رویه‌ای و تعاملی است که به هم وابستگی دارند (اسکاندرا^۳، ۱۹۹۹) و آن به این معناست که افراد مایلند در قبال انجام کار پاداش منصفانه دریافت کنند. گرچه برخی مفهوم چستی عدالت را بی پاسخ دانسته و معتقدند هیچ گاه هم پاسخی برای آن نخواهند یافت (هانس کلسن^۴، ۱۹۸۹)، در نظرگاه معصومین (ع) مفهومی روشن است و درباره آن زیاد بحث کرده‌اند.

حضرت امیر (ع) عدم رعایت این اصل را منشأ هلاکت و نابودی می داند و خطاب به فرماندهان خود می فرماید: «همانا ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند؛ بدان جهت که حق مردم را نپرداختند پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند» (نهج البلاغه، نامه

۷۹). عدالت؛ یعنی رساندن امکانات به طور مساوی بین تمام مناطق شهری؛ به این معنا که پایین شهر و بالای شهر از امکانات مساوی برخوردار شوند یا خیر. عدالت؛ یعنی اعطاء امکانات شهری به مناطق به اندازه نیاز؛ به طوری که حواصیل آن‌ها مرتفع شود (توازن). مقام معظم رهبری دیدگاه دوم را می پذیرد.

از بیان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه این دیدگاه نیز استنتاج می شود: حضرت در نامه به مالک توجه به طبقات پایین را خواستار می شود و می فرماید «بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین، اگر مدیر در مدیریت شهر این اصل را رعایت کند، این نتایج را به دنبال دارد:

۱- رحمت الهی گسترش پیدا می کند. حضرت امیر (ع) می فرماید: «با اجرای عدالت برکت‌ها چند برابر می شود» (آمدی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴۶) و نیز رحمت‌های الهی سرزمین‌ها را به وفور در بر می گیرد؛ چنان که از قول امیرمؤمنان (ع) وارد شده است: «من عدل فی البلاء نشر الله علیه الرحمه» (هر که در شهرها عدالت را اجرا کند، خداوند رحمت خویش را بر او بگسترده) (آمدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۰).

۲- شهرها آباد می شود. حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر علاوه بر این که او را به تلاش برای آبادانی شهرها توصیه می کند، راه رسیدن به این آبادانی را عدالت می داند. «و آن کسی که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدت دوام ندارد و آبادانی شهرها هم جز با عدالت

1. Bos
2. moren
3. Scandura
4. Hans kelsen

«هر کس در حکومت خویش عدالت را اجرا کند و نیکی کردن را پیش گیرد، خداوند شأن او را بالا می‌برد و به یارانش عزت می‌بخشد» (حکیمی، ۱۳۹۳، ج. ۶، ص. ۵۰۰). با توجه به تعریف دوم عدالت در فقه که ارائه شد، این موضوع در حوزه عملکرد شهرداری مشهد برای سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بررسی شد. طبق اطلاعات جدول (۴) میزان آسفالت حاشیه شهر بیشتر از دیگر مناطق (۶۷٪ و ۵۳٪) بوده است که با توجه به نیاز این مناطق عدالت محوری در این موضوع تحقق یافته است. هرچند این سیاست در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۹۳ تعدیل شده است.

امکان‌پذیر نمی‌باشد» (بهج/البلاغه، نامه ۵۳). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هیچ چیز مانند عدالت شهرها را آباد نمی‌کند» (آمدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴).

۵- بین مردم دوستی و الفت ایجاد می‌شود. امام در سخنی می‌فرماید: «آنچه دیده‌ و الیان برتر از همه چیز- بدان روشن است، برقراری عدالت در شهر و پیداشدن دوستی میان مردم است (حکیمی، ۱۳۹۳، ج. ۶، ص. ۴۹۷).

۶- شأن مدیر ارتقا می‌یابد؛ اگر مدیر عدالت ورزد، در نظر همه محبوب می‌شود و مقام و منزلتش در دنیا و آخرت بالا می‌رود. امام علی (ع) می‌فرماید:

جدول ۴. میزان تناژ آسفالت

عنوان	واحد	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۴
مقدار آسفالت ارائه شده به مناطق	تن	۸۴,۸۷۶	۱۰۸,۵۵۹
تناژ پخش آسفالت در حاشیه شهر	تن	۵۶,۶۵۷	۵۷,۷۷۷
نسبت پخش آسفالت حاشیه شهر به کل شهر	تن	٪ ۶۷	٪ ۵۳

مأخذ: سازمان عمران، ۱۳۹۴

۳/۴٪ افزایش یافته است که نشان‌دهنده توزیع مناسب‌تر و تحت پوشش قرار گرفتن محله‌های بیشتر است.

نمونه دیگر از توزیع عدالت در شهر در جدول (۵) مشخص می‌شود. طبق این جدول تعداد ایستگاه‌ها ۲/۵ درصد و طول خطوط اتوبوس‌رانی

جدول ۵. مسیرهای حمل و نقل اتوبوس عمومی

عنوان	واحد	سال ۹۳	سال ۹۴	درصد افزایش
تعداد ایستگاه	ایستگاه	۳۲۴۴	۳۳۳۲	٪ ۲/۵
طول خطوط شهری	کیلومتر	۱۸۸۸	۱۹۵۳	٪ ۳/۴

مأخذ: سازمان اتوبوس‌رانی، ۱۳۹۴

عبارت فلسفی «التزام به شیء التزام به لوازم آن است». جامعه اسلامی نیز از این امر استثناء نیست و مدیران در جامعه شهری باید اجراء، کنترل، نظارت و انطباق الگوهای مختلف فرهنگ شهری با موازین فقهی را با ژرف‌اندیشی خاصی دنبال کنند. بخشی از

۳.۶. اصل اشاعه فرهنگ اسلامی

یکی از اصول منطقی که عقل به آن حکم می‌کند، این است که با توجه به این‌که هر جامعه شهری دارای ایدئولوژی خاصی است، باید فرهنگ آن جامعه را به سوی آن ایدئولوژی سوق دهند. به

این اصول مهم در رعایت حریم ساخت و سازها و مرتفع سازی، ظاهر اسلامی مردم آن جامعه، نوشتن آیات، روایات و جملات خاص بر سر در منازل، پارک های مبتنی بر موازین دینی از جمله اختصاص پارک های مخصوص بانوان، برگزاری اعیاد و نماز جماعت در پارک ها به ویژه در المان های شهری که باید متناسب با فرهنگ مردم آن جامعه باشد، تبلور می یابد؛ زیرا امروزه اماکن ورزشی متناسب با فرهنگ

آن جامعه، فرهنگ سراها و کتابخانه ها از مظاهر اصلی فرهنگ و تمدن در جامعه شهری است. بدیهی است هر کدام از الگوهای فوق می تواند نقش خاصی در ارتقای فرهنگ اسلامی ایفا کند. به گفته عضو کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر مشهد، سرانه فرهنگی هر شهروند حدود ۲۵۰ هزار ریال در سال است.

جدول ۶. فرهنگسراها و مراکز اجتماعی و سلامت و مراکز فرهنگی

سال ۱۳۹۴	سال ۱۳۹۳	عنوان	فرهنگی و اجتماعی
۱۵	۱۵	تعداد	فرهنگسرا
۶	۵	تعداد	مراکز فرهنگی
۲	۲	تعداد	مراکز اجتماعی و سلامت
۴۴,۷۹۰	۴۱,۷۹۰		مساحت (متر مربع)

مأخذ: سازمان فرهنگی و تفریحی، ۱۳۹۴

سرانه فضای کتابخانه عمومی در مشهد به ازای هر ۱۰۰ نفر ۰/۰۰۶ مترمربع است؛ یعنی سهم هر مشهدی از فضای کتابخانه های عمومی این شهر فقط ۶ میلی متر مربع است. براساس شاخصه های تعیین شده در برنامه پنجم توسعه، سرانه فضای کتابخانه عمومی در کشور به ازای هر یک نفر ۳ متر مربع پیش بینی شده است که اگر سرانه فضای کتابخانه-

های عمومی و آستان قدس را هم به آمار کتابخانه های عمومی استان بیفزاییم، باز هم این سرانه در مشهد به ۲ متر مربع می رسد که همچنان با افق پیش بینی شده در برنامه پنجم توسعه فاصله دارد (مدیر کتابخانه های کشور، ۱۳۹۴).

جدول ۷. کتابخانه های عمومی شهر مشهد

تعداد	واحد	عنوان	
۶۳	باب	تعداد کل	تعداد کتابخانه
۲۲	باب	عمومی	
۲۳	باب	مشارکتی	
۱۸	باب	آستان قدس رضوی	
۴۰۶۷	عدد	ظرفیت سالن مطالعه کتابخانه های عمومی (صندلی)	
۷۴۷,۱۵۶	جلد	تعداد کتاب در کتابخانه های عمومی	

مأخذ: اداره کل کتابخانه های عمومی استان خراسان رضوی، آستان قدس رضوی ۱۳۹۴

المان‌های شهری عواملی هستند جهت شناساندن بهتر فضای شهری. مجسمه‌ها و پیکره‌ها به‌عنوان یکی از المان‌ها، نوعی آفرینش و خلق اثر هنری است که با ارائه پیام و مفهوم در قالب پیکره‌ای دست‌ساخته راهکاری نوین برای بیان منظور و انتقال اندیشه بنیان نهاده است و در حوزه مکاتب گوناگون در اشکال و فرم‌های گوناگون با مواد و مصالحی چون سنگ چوب، فلز، گچ، سیمان یا حتی ابر و اسفنج شکل یافته و بازنمایی می‌شود.

در مکتب اسلام، حکم فقهی مجسمه‌سازی از دیدگاه امامیه براساس حکمتی که در روایات آمده است و در گذشته وجود داشته؛ مثل همانندی و تشبه به خالق و قریب‌العهد بودن مردم به عصر جاهلیت و بت‌پرستی و نداشتن منفعت حلال، حرام بوده است. در اسلام در راستای دعوت به توحید و یکتاپرستی و تثبیت آن در نفوس پیروانش به مبارزه با شرک و بت‌پرستی در همه مظاهر آن برخاسته و از جمله مجسمه‌سازی را که نوعی تداعی‌کننده خدایان چوبی و سنگی بوده است، حرام کرده است (حسینی ادیانی، ۱۳۸۹، ص. ۹۸)؛ اما امروزه که فلسفه وجودی آن غیر از بت‌پرستی است، حکم فقهی آن چیست؟

حکم فقهی مجسمه‌سازی در مورد غیر حیوان و حیوان از جمله انسان فرق می‌کند. فقها معتقدند مجسمه غیر حیوان جایز است و دلیل آن‌ها دو چیز است:

دلیل اول: اصالة الاباحه است که اصل اولیه در اشیا را اباحه می‌داند تا زمانی که دلیلی بر حرمت آن‌ها نیاید.

دلیل دوم: روایاتی همچون صحیحه محمد بن مسلم از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: از امام صادق (ع) در مورد نقاشی درخت، خورشید و ماه پرسیدم و امام (ع) فرمودند: «لابأس، مالم یکن شیئاً من الحيوان»: «مادامی که تصویر حیوان نباشد باکی نیست».

در مورد مجسمه حیوان، گروهی آن را مطلقاً حرام و گروهی آن را مطلقاً جایز دانسته و گروهی هم قائل به تفصیل شده و معیارهایی از جمله قصد حکایت و مثل‌سازی آن مخلوق الهی از حیوانات و برخی ملاک را عرف و برخی هم تصویر صورت کامل حیوانات را باعث حرمت می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۵، ج. ۱، ص. ۷۷).

اینک به نظر برخی فقهای معاصر می‌پردازیم. آیت‌الله خامنه‌ای: ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم موجودات بی‌روح را بی‌اشکال دانسته و همچنین نقاشی و ترسیم چهره موجودات دارای روح از جمله انسان را با دو شرط بدون اشکال می‌داند؛ شرط اول آن‌که بدون برجستگی باشد و شرط دیگر این‌که به‌صورت غیرکامل باشد؛ ولی ایشان ساخت مجسمه انسان با سایر حیوانات به‌صورت کامل را دارای اشکال می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

آیت‌الله بهجت ساختن مجسمه موجودات جان-دار را حرام می‌داند.

آیت‌الله سیستانی ساخت مجسمه حیوانات و انسان را بنا بر احتیاط واجب حرام می‌داند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی آن را حرام و نصب آن در معابر و میادین را نیز حرام می‌داند.

ممکن است سؤال شود حرمت مجسمه‌سازی به دلیل برداشت شرک‌آمیز از آن‌ها و جنبه بت‌پرستی است، در این صورت امروز که این امور ذهنیت بت‌پرستی را در عموم مردم ایجاد نمی‌کند و به‌عنوان هنر شناخته شده و به کار گرفته می‌شود، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله مکارم شیرازی مجسمه‌سازی را در هر حال مگر در مواردی که جنبه اسباب‌بازی دارد، حرام می‌داند. بنابراین، در این‌گونه موارد باید نظر مرجع تقلید لحاظ شود و در مسائل اجتماعی و جامعه‌نظر حاکم اسلامی رعایت شود.

با روند روبه‌گسترش المان‌های آدمی در مشهد که در جدول زیر آمده است. در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ تعداد المان‌ها افزایش ۴۷٪ داشته است؛ اما آنچه حائز اهمیت است، تحلیل فقهی آن‌ها است که براساس معیارهای ارائه‌شده از سوی حاکم اسلامی وقت، مقام معظم رهبری، المان‌های انسان از جنبه فقهی مشروعیت نداشته؛ زیرا هم ذی‌روح هستند و هم کامل ساخته شده‌اند که با مبانی فقهی سازگاری ندارد.

جدول ۸. المان‌های شهر مشهد

تعداد المان‌ها	سال ۹۳	سال ۹۴
المان انسان	۵	۲۵
المان‌های دیگر	۶۳	۷۵
جمع	۶۸	۱۰۰

البته شهرداری گام‌های مؤثری در جهت فرهنگ فاطمی (س) در سال ۱۳۹۳ و نیز اقتصاد مقاومتی در هر دو سال و نیز ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و فرهنگ قرآنی برداشته است. برگزاری نماز جماعت‌های زیبا در پارک‌ها نمونه دیگری از فعالیت‌های فرهنگی شهرداری مشهد بوده است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در این پژوهش براساس منابع اسلامی، فرضیه مطرح‌شده که اصولی در آن از منظر فقه شیعه آورده شده بود، ثابت شد؛ اما در پژوهش‌های قبلی؛ در مقاله «اندازه مطلوب شهر و حومه از منظر فقه شیعه» به حداقل قطر شهر ۵/۵ کیلومتر) و حداکثر آن (۲۲ کیلومتر) پرداخته شده بود.

در مقاله «تأثیر اصول فقهی» نیز فقط به اثرات خانه‌های سستی بر ابعاد خانه‌های ایرانی پرداخته و نیز در مقاله «شهرسازی در فقه اسلامی» فقط به التزامات زندگی شهری پرداخته شده است که با مقاله حاضر بحث در این زمینه تا حدی کامل شده و نیاز به پژوهش‌های دیگری دارد. این اصول مشتمل بر اصول ساختمانی (حریم خصوصی و مرتفع‌سازی)، ولایت حاکم بر تخلفات ساختمانی، رعایت عدالت در توزیع امکانات شهری و اشاعه فرهنگ اسلامی است؛ علاوه بر آن، در پژوهش حاضر به انطباق این اصول با شهر مشهد پرداخته شد که نتایج ذیل حاصل شد.

در اصول ساختمانی برای رعایت حریم خصوصی افراد فاصله ساختمان‌ها براساس تعیین محدوده دو طریق، پنج ذراع (معادل ۲/۳۱ متر) است که در شهر مشهد قاعده خاص تعریف نشده و فقط «درز انقطاع» است که فاصله ناچیزی است. در مرتفع‌سازی در فقه شیعه بنابر قول پذیرفته شده، اصل در ساختمان‌ها در جهت افقی است و ارتفاع در نظر گرفته شده ۷۸،۹ ذراع (معادل ۳/۲۳ متر، ۳/۶۸ متر و ۴/۱۵ متر) است که ارتفاع کف تا سقف است و در شهر مشهد منطبق بر ۷ ذراع در یک طبقه است؛ اما طبقات متعدد در جهت عمودی جز در حالت اضطرار مشروعیت ندارد. در اصل ولایت حاکم، حاکم اسلامی می‌تواند برای تخلفات ساختمان حکم صادر کند و حتی ساختمانی را تخریب کند که در شهر مشهد تخلفات انجام شده ۳۱٪ در سال ۱۳۹۴ نسبت به ۱۳۹۳ کاهش یافته است.

در زمینه رعایت عدالت در توزیع امکانات شهری، در فقه اسلام تأکید زیادی بر این اصل شده است که حتی گاهی ممکن است مدیریت با عدم رعایت عدالت از بین برود و در شهر مشهد با بررسی انجام شده در دو زمینه آسفالت راه‌هایی که جنبه عمومی دارد در منطقه پایین شهر، نسبت پخش آسفالت حاشیه شهر نسبت به کل شهر در سال ۱۳۹۳ ۶۷٪ و در سال ۱۳۹۴، ۵۳٪ است که رقم قابل توجهی است و عدالت محوری در این زمینه تحقق یافته است. هرچند سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ تعدیل شد و در زمینه ناوگان شهری تعداد ایستگاه‌ها ۲/۵ و طول خطوط اتوبوس‌رانی ۳/۴٪ افزایش یافته که نشان‌دهنده توزیع مناسب‌تر امکانات است.

اصل اشاعه فرهنگ اسلامی در فقه اسلامی لازمه جدایی‌ناپذیر شهر اسلامی است و در شهر مشهد با توجه به تعداد مساجد نسبت به سرانه آن، ۲۴۲ مسجد لازم است که طرح ۱۱۰ مسجد شهرداری تا حدی می‌تواند آن را جبران کند. در زمینه کتابخانه نیز در مجموع با احتساب کل کتابخانه‌های شهر سرانه به ۲ مترمربع می‌رسد که با افق پیش‌بینی شده در برنامه پنجم فاصله دارد. نکته حائز اهمیت در زمینه المان‌ها و مجسمه‌های شهری است که بیانگر اشاعه فرهنگ اسلامی است و مدیریت شهری در زمینه فرهنگ دینی، ایثار و شهادت و اقتصاد مقاومتی گام‌های مؤثری برداشته است؛ اما مجسمه‌های انسان و آن هم کامل با فقه اسلامی انطباق ندارد.

با توجه به اهمیت و ضرورت اصول فقهی در معماری و فضای شهرها، اموری پیشنهاد می‌شود.

شهرداری مشهد با دعوت از صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه درباره معماری شهری و شهرسازی جلساتی برگزار کند و محله‌های جدید شهر مشهد براساس رعایت دیدگاه‌های اسلامی بر محور دانش-بنیان بنا شود و تمام امور ضروری؛ مانند مسجد، مدرسه و غیره پیش‌بینی شود.

در شهرداری دایره‌ای تحت عنوان «دایره پیگیری اصول فقهی معماری و شهرسازی» تشکیل شود و در ساخت‌وسازها و پایان‌کارها نظر این دایره اجرا شود.

با توجه به گستردگی کار و زوایای ناشناخته احتمالی دیگر، ادامه این کار با ارائه طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و کارگروه‌ها تکمیل شود.

کتابنامه

۱. قرآن مجید. (۱۳۹۳). (مترجم، م. الهی قمشه‌ای). قم: مبین اندیشه.
۲. نهج البلاغه. (مترجم، م. دشتی). تهران: لاهیجی.
۳. آمدی، ع. (۱۳۷۸). غررالحکم و دررالكلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن اخوه، م. (۶۴۸). معالم القرية فی احکام الحسبه. قم: مکتب الاعلام لاسلامی.
۵. اراکی، م. (۱۳۹۴). درس خارج فقه معماری. پایگاه فقه حکومتی وسایل. بازیابی در ۲۸ آبان از vasael.ir/fa/print.
۶. انصاری، م. (۱۳۷۳). المکاسب. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۷. ابراهیم پور، ه. و پرتوی، پ. (۱۳۸۵). مبانی و اصول جنبش نو شهرسازی. عمران و معماری، ۱۵، ۸۰-۷۰.
۸. برقی، ا. (۱۳۷۱). المحاسن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. بمانیان، م. ر.، ارجمندی، س. و فرزانه، ع. م. (۱۳۹۲). تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۲، ۸۹-۱۰۰.
۱۰. بنی‌هاشمی، م. ح. (۱۳۸۵). توضیح المسائل مراجع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. بیهقی، ا. (۱۴۲۴). السنن الکبری. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. حر عاملی، م. (۱۴۰۵). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۳. حسینی ادیبانی، م. (۱۳۸۹). تصویرگری و مجسمه‌سازی در فقه امامیه. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا. تهران، ایران.
۱۴. حکیمی، م. (۱۳۹۳). الحیاه. (مترجم: ا. آرام). قم: نشر دلیل ما.
۱۵. حلی، ح. (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۶. خامنه‌ای، س. ع. (۱۳۸۹). اجوبه الاستفتائات. تهران: الهدی.
۱۷. دهقانیان، ح. و عبدیان، ح. (۱۳۹۲). شهرسازی اسلامی در فقه اسلامی. مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی در فقه اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.
۱۸. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۸۷). ضوابط سیما و منظر شهری. تهران: شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
۱۹. شهرداری مشهد، مدیریت آمار. (۱۳۹۴). آمارنامه جیبی «گزیده شاخص‌ها و اقلام آماری شهر مقدس مشهد». بازیابی در ۲۵ آذر از <https://amar.mashhad.ir>.
۲۰. صدوق، م. (۱۳۶۲). النخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. کلینی، م. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. منان رئیسی، م. (۱۳۹۵). اندازه مطلوب شهر و حومه از نظر فقه شیعی. مدیریت شهری، ۱۴ (۴۳)، ۲۰-۷.
۲۳. ولایتی، م. (۱۳۹۴). مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲ (۴۲)، ۹۹-۱۱۷.

24. Bos, K. V. (2001). Fundamental research by means of laboratory experiments is essential for a better understanding of organizational justice. *Journal of Vocational Behavior*, 58, 254-259.
25. Gifford, R. (2007). The consequences of living in high-rise buildings. *Architectural Science Review*, 50(1), 2-17.
26. Kelsen, H. (1960). *What is justice?* California, CA: University of California Press.
27. Labibzadeh, M., Siahplolo, N., & Khajehdezfuly, A. (2010). Separation distance determination of torsional adjacent buildings using random vibration theory. *Journal of American Science*, 6(10), 184-194.
28. Scandura, T. A. (1999). Rethinking leader-member exchange: An organizational justice perspective. *The Leadership Quarterly*, 10(1), 25-40.
29. Simpson, J. (1989). *Oxford English dictionary*. Oxford, Iran: Oxford University Press.
30. Steuteville, R. (2004). The new urbanism: An alternative to modern, automobile-oriented planning and development. Retrieved from <http://safarnezhad.blogfa.com/post-68.aspx>
31. Taib, M. Z. M., & Rasdi, M. T. (2012). Islamic architecture evolution: Perception and behavior. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 49, 293-303.
32. Wiggin, H. D. (1823). *General laws of Massachusetts*. Massachusetts, MA: Thomson West.